**تحقیقات درباره زبان «خوری»**

در نیمه آذر سه تن از اساتید دانشگاه‏هاى اروپا و امریکا براى تحقیق و کنجکاوى در ریشه زبان اهالى خور بیابانک بآن ولایت رفتند.از آقاى هنر یغمائى که از فضل وادب و شیخوخت مقام پدرى اهالى آن حدود را دارند تقاضا شد که این میهمانان ادب جوى را مساعدت و راهنمائى فرماید، وزارت فرهنگ نیز چنین دستورى فرمود، و بهرحال امیدست باین میهمانان در آن ولایت بد نگذرد و در یادداشت‏هاى خود-چون بسیارى از اروپائیان-از ما ببدى یاد نکنند.

واحه خور بیابانک(جندق بیابانک)که محصور در کویر نمک است از مناطقى است که پاى اقوام متجاوز کمتر بدانجا رسیده و زبان و آداب ملى باستان اهالى تقریبا محفوظ مانده است.

چند بار بفرهنگستان پیشنهاد کردم که درباره زبان و فرهنگ آن ناحیه کنجکاوى و استقصائى بشود، ولى رجال ما از هر طبقه که باشند کارى که باید نمى‏کنند، و اکنون مى‏بینم از اقصى نقاط دنیا طلاب علم به مجهزترین وسایل امروزى(دستگاه ضبط صوت و عکاسى و غیره)، بآن ناحیه دور افتاده مى‏شتابند و از بذل هیچگونه مجاهدت تن بز نمیزنند.

این سه تن یکى آقاى مررى بار rraB yarroM استاد دانشگاه بروان‏ nworB در امریکاست که اکنون در دانشگاه طهران فارسى را تکمیل میکند 1 ، دیگرى ژرژردار daradeR segroG استاد دانشگاه نیوداتل letahcueN است در سویس 2 ، و سومى آقاى ریچارد نلسن قراى‏ nosleN draheiR استاد دانشگاه هاروارد است در امریکا 3 .

آقاى فرا جوانى است بسیار مستعد که فارسى را هم خوب حرف میزند و هم خوب مینویسد.شرح حال او را مختصرا بهمان عبارت که خودش نوشته است نقل میکنم: «پدر و مادرم هر دو در سوئد متولد شده‏اند. خودم در شهر برمنگهام امریکا در دهم جانویه 1920 متولد شده‏ام.بنده در دانشگاه الینوى‏ sionilll تاریخ و فلسفه خوانده‏ام-در دانشگاه هاروارد زبانهاى چینى، روسى، عربى، تحصیل کرده‏ام، در دانشگاه پرنستون زبان ترکى و فارسى خوانده‏ام.از سال 1942 تا 1944 در افغانستان بوده‏ام و سال 1945 در ترکیه بعد از جنگ با آقاى پرفسور هنینگ زبان پهلوى را شروع کردم، و سال‏هاى بعد در دانشگاه لندن زبان‏هاى اوستائى، سغدى، فارسى قدیم را آموختم واز دانشگاه هارورد عنوان دکترى یافتم‏ »

«تألیفات:1-یادداشت‏هائى در خصوص مسکوکات قدیم ماوراء النهر.2-ترجمه تاریخ مغول از زبان ارمنى با پرفسور بلادیک استاد دانشگاه هارورد.3-امریکا و ترکیه و ایران با پروفسور توماس استاد دانشگاه پرنستون.4-خاور نزدیک و ممالک بزرگ».

«مقاله‏هاى فراوان براى مجله‏هائى از قبیل مله عالم اسلام و مجله انجمن مستشرقین امریکا نوشته‏ام، و همچنین بزبان ترکى مقاله‏اى در خصوص ترکها در خاو نزدیک بهمراهى رفیق ترک ایدن سایل نوشته‏ام که در مجله ترک بلتین طبع شده».

«بنده در ایران براى یکسال از طرف کمیسیون فولبرایت کار میکنم.زمینه مطالعات من تنظیم و طبع یادداشت‏هائى است درباره:1-مجموعه کتیبه‏هاى پهلوى.2-لهجه‏هاى بیابانک یعنى «خور»و«فرخى»و«جندق»و غیره.3-تاریخ نیشابور در نشریات انستیتو ایران و فرانسه». «نبده در دانشگاه هاروارد پرفسور سوم یعنى‏ ruesseforP tnat issA در تاریخ خاور نزدیک هستم.در سال 1947 بایران آمدم و کتیه پهلوى سرمشهد را خواندم...»

«براى مجله یغما مقاله نوشته‏ام بنام«دسیسه‏هاى آل عباس و فرضیه انقلاب امروزى». .yroehT yrannoituloveR enredoM dna ycaupsnoc di sabb ehT